

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۹ - ۲۷

## مقایسه پیرنگ در داستان ایوب قرآن و فیلم سینمایی ایوب پیامبر

ابوذر پورمحمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

فیلم سینمایی ایوب پیامبر در سال ۱۳۷۲ به نویسندگی و کارگردانی فرج‌الله سلحشور تولید شد. قصه‌ای که این فیلم روایت می‌کند با آنچه قرآن کریم بیان کرده است تفاوت‌های اساسی دارد. با آنکه داستان ایوب در قرآن در شش آیه آمده است اما اینگونه نیست که این داستان کوتاه، ناقص بیان شده باشد و یا عناصر داستانی مثل عنصر پیرنگ را نداشته باشد. این داستان در قرآن با اسلوب داستان کوتاه با دارا بودن تمامی ویژگی‌های یک داستان کوتاه روایت شده است. روابط علی و معلولی بین اتفاقات اصلی داستان ایوب در قرآن که پیرنگ این داستان را نشان می‌دهد با روابط علی و معلولی اتفاقات اصلی فیلم سینمایی ایوب پیامبر متفاوت است. در داستان قرآن، بین ایوب و خدایش مشکلی پیش آمده است و این مشکل (گره داستان) در روند داستان گشوده می‌شود اما در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، بین ایوب و ابلیس کشمکش وجود دارد و مخاطب قرار است پیروزی ایوب بر شیطان را به نظاره بنشیند. این تفاوت اساسی در شاکله و زیربنا در این دو روایت از داستان ایوب به دلیل آن است که در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، قصه قرآن مبنای کار قرار نگرفته است بلکه منابع دیگر مثل کتاب مقدس، روایات و کتب قصص انبیا مورد استناد قرار گرفته‌اند.

### واژگان کلیدی

فیلم سینمایی ایوب پیامبر، داستان ایوب، قرآن، پیرنگ.

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران. تهیه‌کننده سینما و تلویزیون.

## طرح مسأله

فیلم سینمایی ایوب پیامبر در سال ۱۳۷۲ به کارگردانی فرج‌الله سلحشور ساخته شد و در سال ۱۳۷۳ در سینماهای ایران به نمایش درآمد. این فیلم اولین تجربه کارگردانی فرج‌الله سلحشور است. او در این فیلم بازیگر نقش اول یعنی ایوب است و فیلم‌نامه آن را هم خودش نوشته است. زمان این فیلم ۸۴ دقیقه است. سلحشور ابتدا در سال ۱۳۷۰ نمایشی را به نام ایوب به روی صحنه تئاتر برد. او یک سال بعد، یک سریال پنج قسمتی به نام ایوب پیامبر کارگردانی کرد و سپس در سال ۱۳۷۲ فیلمی سینمایی از دل آن سریال تدوین و تولید شد (بهارلو، ۱۳۸۴، ش، ج ۲، ۳۶۲).

نقد این اثر بسیار ضروری است زیرا وقتی در رسانه رسمی یک کشور اسلامی مثل ایران یک قصه قرآنی تبدیل به فیلم سینمایی می‌شود، تصور عموم مخاطبان آن است که این فیلم دقیقاً بیان قرآن را تبدیل به ساختاری نمایشی کرده است.

قصه ایوب در قرآن کریم در سوره صافات آیات ۴۱ تا ۴۴ و سوره انبیاء آیات ۸۳ و ۸۴ آمده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که پیرنگ موجود در روایت قرآن از این داستان با پیرنگ روایت فیلم چه تفاوت‌هایی دارد؟ در این مقاله با روش تحلیل محتوا به تفاوت عنصر پیرنگ در این دو متن می‌پردازیم.

تنها منبعی که به اختصار به تحلیل و بررسی فیلم سینمایی ایوب پیامبر پرداخته است، کتاب *سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران* است. دو صحنه حاوی دو گفت‌وگوی ایوب با ابلیس در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است و موارد دیگری هم بصورت فشرده مطرح شده است (یاسینی، ۱۴۰۱، ش، ۱۷۳ تا ۱۸۸). عنصر پیرنگ که موضوع این مقاله است در کتاب وجود ندارد.

## ۱. پیرنگ داستان کوتاه ایوب در قرآن

### ۱-۱. تعریف پیرنگ

پیرنگ (Plot)، وابستگی موجود میان حوادث داستان را به طور عقلانی و منطقی تنظیم می‌کند. پیرنگ فقط ترتیب و توالی وقایع نیست بلکه مجموعه سازمان‌یافته وقایع است. این

مجموعه وقایع و حوادث با رابطه علت و معلولی به هم پیوند خورده و با الگو و نقشه‌ای مرتب و مستدل شده است (میرصادقی، ۱۳۹۴، ش، ۸۴).

پیرنگ، چیزی بیشتر از شرح وقایع است. شنونده پرسش متفاوتی را مطرح می‌کند: «چرا این اتفاق می‌افتد؟». پیرنگ، خواننده را در بازی «چرا اینجوری شد؟» دخیل می‌کند (تویاس، ۱۴۰۱، ش، ۲۳).

این تعاریف از پیرنگ ناخودآگاه ذهن مانوس با قرآن را به یاد آیه ۷ سوره یوسف می‌اندازد: لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلنَّاسِ لِيُنذِرَ بَأْسَ الَّذِي كَانُوا يُعْتَدُونَ [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پُرسندگان عبرت‌هاست. داستان یوسف و برادرانش مشحون از علم و حکمت است اما برای آنکه دائم با دقت و تدبر سؤال می‌کند که چرا این اتفاق افتاد و چرا اینطوری شد؟ این اتفاق با آن اتفاق چه ارتباطی دارد و چرا به گونه‌ای دیگر نشد؟ و هزاران سؤال دیگر.

## ۲-۱. تعریف داستان کوتاه

داستان ایوب در قرآن یک داستان کوتاه است. این داستان در شش آیه از قرآن کریم آمده است: آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انبیاء و آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره صاد. قصه‌های موجود در قرآن، بجز قصه یوسف، همه داستان کوتاه هستند با تعریف مشخص داستان کوتاه در ادبیات داستانی. داستان کوتاه (Nouvelle)، اثری است کوتاه که در آن نویسنده به یاری یک طرح منظم، شخصیتی اصلی را در یک واقعه اصلی نشان می‌دهد و این اثر بر روی هم تأثیر واحدی را القاء می‌کند (یونسی، ۱۳۶۹، ش، ۱۵، مقایسه کنید با میرصادقی، ۱۳۹۴، ش، ۳۵).

داستان کوتاه ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: «۱) داستان کوتاه موضوعی ساده دارد؛ موضوعی که معمولاً این امکان را می‌دهد که داستان در مدت زمان کوتاهی اتفاق بیفتد. (۲) تعداد شخصیت‌های آن کم است و این شخصیت‌ها به سرعت نشو و نما می‌کنند. (۳) گفت‌وگوها و حوادث، داستان را پیش می‌برند. (۴) داستان کوتاه از زاویه دید یک نفر بیشتر، استفاده نمی‌کند. (۵) ضرباهنگ سریع و شروعی گیرا دارد. (۶) میانه‌ای دارد که از این شاخه به آن شاخه نمی‌پرد و در مسیری مستقیم به سوی پایان داستان پیش می‌رود. (۷) پایانی

قوی دارد که داستان را کامل می‌کند، ما را به درک چیزی می‌رساند و راضی می‌کند. (۸) پیرنگ (طرح) و شخصیت‌هایی دارد که بینشی تازه راجع به شرایط انسانی افراد به ما می‌دهد» (وایتلی، ۱۳۹۶ ش، ۵۸). قصه ایوب در قرآن هم یک داستان کوتاه است و تمام این ویژگی‌های هشتگانه را دارد.

### ۳-۱. واژه‌های داستان ایوب در قرآن

آیات دوسوره انبیاء و صاد که داستان ایوب را بیان می‌کنند:

وَ اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَاَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِيْنَ. وَ اذْكَرْنَا عَبْدَنَا اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّى مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ. اِذْ كُضِّبَ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ. وَ وَهَبْنَا لَهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَ ذِكْرًا لِاُولِي الْاَلْبَابِ. وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاَضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُتْ اِنَّا وَ جَدْنَاہُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّہُ اَوْابٌ. و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان». پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]. و بنده ما ایوب را به یاد آور، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد». [به او گفتیم]: «با پای خود [به زمین] بکوب، اینک این چشمه‌ساری است سرد و آشامیدنی. و [مجدداً] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم، تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد. [و به او گفتیم]: «یک بسته تر که به دست بگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگند مشکن.» ما او را شکویا یافتیم. چه نیکوبنده‌ای! به راستی او توبه‌کار بود. آیات ۸۳ و ۸۴ سوره انبیاء و آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره صاد.

**یک توضیح بسیار ضروری:** معمولاً واژه‌های این داستان در ترجمه‌های قرآن درست

معنا نمی‌شوند. در بسیاری از منابع وقتی نوبت به قصه گفتن می‌رسد، قصه‌گویان هر آنچه دوست دارند و تخیل می‌کنند، سر هم می‌کنند و کاری به کلمات قصه‌گوی اصلی که خدا باشد ندارند.

هر واژه‌ای که در این داستان کوتاه آمده است، یک پیوند به ما می‌دهد برای شرح داستان ایوب و ما را به متن گسترش‌یافته‌ی قصه‌ی ایوب در قرآن کریم می‌رساند (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ش، ۲۲). این واژه‌ها متفاوت هستند. گاهی گروه‌واژه یا اصطلاح داریم مثل «وجدناه صابراً». گاهی این واژه‌ها فلاش‌بک<sup>۱</sup> به گذشته‌ی ایوب هستند و گاهی هم توضیح کاری که ایوب دارد انجام می‌دهد.

واژه‌های کلیدی و مهمی که در داستان ایوب در قرآن وجود دارند عبارتند از: (۱ ایوب، ۲ نادى، ۳ ضر، ۴ اهله، ۵ عبدنا، ۶ شیطان، ۷ نصب، ۸ ارکض، ۹ ضغثاً، ۱۰ اضر به، ۱۱ تحنث، ۱۲ وجدناه صابراً، ۱۳ اوآب).

• کلمه‌ی ایوب ما را به آیات دیگر قرآن راهنمایی می‌کند. آیاتی که گرچه قصه‌ی ایوب در آنها نیست اما اسم ایوب را در ردیف پیامبران دیگر آورده است و ارتباط این شخصیت با دیگر قصه‌ها را تعریف می‌کند. کلمه‌ی «ایوب» چهار بار در قرآن آمده است. در آیات ۱۶۳ سوره‌ی نساء و ۸۴ سوره‌ی انعام فقط نام ایوب در ردیف اسامی پیامبران آمده است. در دو سوره‌ی صاد و انبیا، نام ایوب همراه با قصه‌ی او در شش آیه آمده است.

ایوب می‌تواند صیغه‌ی «فیعول» از ریشه‌ی «اوب» باشد. همانطور که اوآب، صیغه‌ی مبالغه‌ی است، ایوب هم صیغه‌ی مبالغه‌ی است (زیبیدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۰: اَيُّوبُ، قِيلَ هُوَ فَيَعُولٌ مِنَ الْأُوبِ كَقِيُومٍ، وَقِيلَ: هُوَ فَعُولٌ كَسَفُودٍ). در اینصورت ایوب یعنی شخصی که بسیار برمی‌گردد به راه درست و بسوی صاحبش.

• کلمه‌ی «نادی»، نوع ارتباط ایوب با خدا را در داستان کوتاه ایوب در قرآن بیان می‌کند. ایوب فریاد کشید و سر خدا داد زد. «نادی» یعنی فریاد زد، داد زد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ذیل ریشه‌ی «ن دی»، ج ۸، ۷۸: نَادَاهُ أَى دَعَاهُ بِأَرْفَعِ الصَّوْتِ). گره داستان همینجاست نه جای دیگر. آن حالت بی‌تعادلی که درام ایجاد می‌کند، همین حالی است که الان ایوب دارد. مخاطب و بیننده‌ی این اتفاق از خود می‌پرسد: چه شده است که این بنده سر مولای خود فریاد می‌کشد؟ مگر مولای او، او را رها کرده و او را فراموش کرده است؟

۱. حوادثی مهم در زندگی گذشته‌ی شخصیت‌ها که نویسنده می‌تواند در لحظات بحرانی برای خلق نقاط عطف، آنها را افشا کند (مک کی، ۱۳۹۸ش، ۲۲۳).

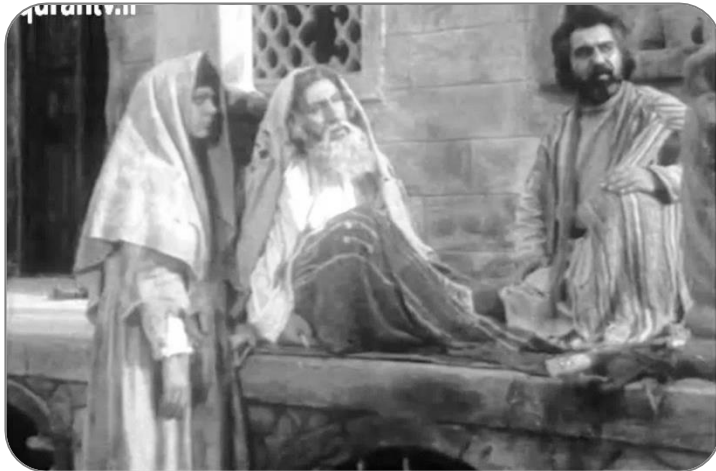
آیا مولای او به کاری دیگر مشغول شده است؟ آیا رب و صاحب ایوب از او دور شده است که لازم شده ایوب داد بزند؟ آیا خدایی که از آغاز خلقت تا الان ربوبیتش شامل حال ایوب بوده، با تغییر وضعیت و مضطر شدن ایوب، او را فراموش کرده و او را درک نمی‌کند؟

• کلمه «ضر» نوع مشکل ایوب را روشن می‌کند. ایوب تهی دست و گرفتار شد. ایوب بیمار نشد. در داستان ایوب قرآن هیچ اشاره‌ای به بیماری ایوب نیست.

تعبیری که قرآن کریم برای بلاها و مصائب ایوب استفاده می‌کند، «ضر» است: وَ أَتُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (انبیاء، ۸۳). ایوب در جایی دیگر بجای کلمه «ضر»، کلمه «شیطان» را بکار می‌برد: وَ اذْكَرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (صافات، ۴۱). اما این دو عبارت یک محتوا را بیان می‌کنند:

إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

«مسنی الضر» یعنی تهی دست و گرفتار شده‌ام. به‌رغم شهرت نادرست، در قرآن به بیماری ایوب هیچ اشاره‌ای نیست. بیماری بسیار سختی که از نیمه فیلم سینمایی ایوب به بعد با ایوب است (تصویر ۱-۲).



(تصویر ۱-۲)

در ضمن گفتگوهای مختلف در جاهای مختلف فیلم، صحبت از مسری بودن بیماری دردناک و زمین گیرکننده ایوب است. بیماری او در حدی است که توان راه رفتن و

درست صحبت کردن را ندارد و بدنش بوی بد می دهد. نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی ایوب پیامبر، به هر حال حفظ حرمت کرده است و مثلاً بوی بد بدن ایوب را در لفافه و با کنایه آورده است. وقتی مردم شهر بسنیه به خانه ایوب آمده اند تا او را از شهر بیرون کنند، در بین گفتگوهایی که بین مردم و ایوب صورت می گیرد، گفتگویی بین بلدد و سوفر (هر دو از خادمان قبلی ایوب) می بینیم:

بلدد: خداوند هیچ گاه پیامبران خود را به بیماری مسری و مسمتزن کننده دچار نمی کند تا مبدا مردم از گردشان پراکنده شوند.

سوفر: پس این بوی بد چیست که آزارمان می دهد؟  
پس از این جمله سوفر، جمع حاضر می خندند (تصویر ۱-۳).



(تصویر ۱-۳)

این در حالی است که امام محمد باقر (ع) فرموده اند: «ایوب با آن همه گرفتاری که داشت، بوی بد در او پیدا نشد، زشت روی نگردید، یک نوک قلم خون و چرک از او بیرون نیامد، هر که او را دید کثیفش نیافت، و هر کس به نزدش رفت از او وحشت نکرد، و هیچ جای بدنش کرم نگذاشت... مردم که از ایوب کناره گرفتند فقط برای فقر و ناتوانی اش بود که به ظاهر چنین می نمود و مردم نمی دانستند که او نزد پروردگارش چه کمک و گشایشی نصیب دارد» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۳۹۹ و ۴۰۰).

بسیاری از علما «ضر» در این آیات شریفه را دقیقاً به همان معنایی گرفته‌اند که در کتاب ایوب در مجموعه کتاب مقدس آمده است و متأسفانه همان مطلب در قالب روایت نیز گزارش شده و همه آن را بدون بررسی و فارغ از عرضه به قرآن پذیرفته‌اند و صد افسوس فزون‌تر که تصریح کرده‌اند که ضر هیچ اشاره‌ای به گرفتاری‌های مالی ایوب ندارد (محقق اردبیلی، بی تا، ۳۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ۲۰۸). این در حالی است که بنا بر روش و بر اساس شیوه علمی خود بزرگان مانند علامه طباطبائی برای فهم مفردات قرآنی «ضر» در قرآن درمی‌یابیم که اتفاقاً ضر دقیقاً به معنای گرفتاری مالی یا حیثیتی و اجتماعی است (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ۲۰۳ به نقل از مصباح اللغه: الضر الفاقة و الفقر).

با توجه به سیاق داستان ایوب در هر دو سوره انبیا و صاد، دو عبارت دعایی که ایوب در مقام نیایش با پروردگارش بر زبان آورده است، باید دنبال هم در نظر گرفته شوند، به این ترتیب که ابتدا ایوب در مقام دعا به درگاه خدا می‌گفت: *أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ* (انبیا، ۸۳) اما به مرور زمان و با شدت یافتن گرفتاری و از دست رفتن همسر و فرزندانش خدم و حشمش، لحن دعای ایوب تغییر یافت و با این عبارت به درگاه خدا شکوه کرد: *أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ* (صاد، ۴۱): پروردگارا شیطان مرا زیر شکنجه و آزار طاقت‌فرسایی قرار داده است.

«مضطر» نیز معمولاً کسی است که گرفتاری مالی دارد. البته گرفتاری فقط محدود به از دست دادن ثروت و سرمایه‌های زندگی مثل گوسفندان یا محصولات کشاورزی نیست بلکه از دست دادن هر چیز مهمی که جایگزینی برای آن وجود ندارد و زندگی انسان را به چالش می‌کشد، انسان را مضطر می‌کند مانند از دست دادن کار و موقعیت‌هایی که ادامه زندگی را به مخاطره می‌اندازد.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: *و سأل بعضهم من المضطر؟ قال النبي: اذا رفع يده لا يرى لنفسه شيئاً* (سلمی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ۹۵). همچنین در بیانی دیگر داریم: *المضطر العاجز الذي لا يجد عملاً ولا وسيلة يلجأ إليها الا الله وحده* (مغنیه، ۱۴۰۳ق، ۵۰۲). بنابراین عمده گرفتاری ایوب که بعضی پنداشته‌اند در قرآن بیان نشده، با کلمه ضر بیان شده است و انسان متدبر می‌تواند تصور کند که ایوب هرگونه امکانات مالی که داشته



است، آنها را یکجا از دست داده است. دانستن کمیت و کیفیت این اموال هیچ اهمیتی ندارد. در کتاب مقدس آمار دارایی‌های ایوب قبل و بعد از ضرر آمده است ولی این آمار از منظر قرآن بی‌اهمیت است.

در کتاب ایوب آمده است که: «و برای او [ایوب]، هفت پسر و سه دختر زاییده شدند. و اموال او هفت هزار گوسفند و سه هزار شتر و پانصد جفت گاو و پانصد الاغ ماده بود و نوکران بسیار کثیر داشت و آن مرد از تمامی بنی مشرق بزرگتر بود... و خداوند به ایوب دو چندان آنچه پیش داشته بود عطا فرمود... و خداوند آخر ایوب را بیشتر از اول او مبارک فرمود چنانکه او را چهارده هزار گوسفند و شش هزار شتر و هزار جفت گاو و هزار الاغ ماده بود» (کتاب مقدس، کتاب ایوب، بی‌نا، بی‌تا، ۲/۱ و ۳؛ ۱۰/۲۲ و ۱۲).

در داستان ایوب مهم این است که ما نوعیت گرفتاری ایوب را بدانیم که چه بوده است؟ «مسنی الضر» یعنی از دست دادن همه اموال. اگر بخشی از اموال و دارایی‌های ایوب از دستش رفته بود، آه و ناله نمی‌کرد، می‌توانست در بخش دیگری از زندگی‌اش آن را جبران کند. در مورد ایوب، «ضر» با از دست دادن همه امکانات مالی زندگی‌اش آغاز شده و سپس دچار «ضر» شبه مالی هم شده است یعنی خانواده، اهل و عیال و اطرافیان او نیز که به گونه‌ای سرمایه زندگی او به شمار می‌رفته‌اند، از بین رفته‌اند.

آنچه مهم است این است که «ضر» در قرآن قطعاً جنبه بدنی و بیماری ندارد. در قرآن کلمه ضر و مضطر به بیماری ارتباط پیدا نمی‌کند.

• کلمه «اهل» در داستان ایوب قبل از هر چیز، همسر ایوب را شامل می‌شود. اهل در بیان قرآن یعنی خانواده و اولین چیزی که از کلمه خانواده به ذهن متبادر می‌شود، همسر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۳۰: اهل الرجل و اهله زوجه). با کمال تعجب در روایات اسلامی و در کتاب ایوب کتاب مقدس، همه اهل ایوب از دنیا می‌روند ولی همسر ایوب زنده است.

آن داستانی که برای همسر ایوب در فیلم سینمایی طراحی کرده‌اند، در قرآن نیست و مشخصاً از کتاب مقدس اخذ شده است.

در داستان کوتاه ایوب در قرآن، ایوب همه خانواده‌اش را از دست داده است و از همه

مهم‌تر در بین اهلش، همسرش را هم از دست داده است. ایوب تنهای تنهاست که ندا سر می‌دهد و خدا را با صدای بلند خطاب می‌کند.

سناریونویس کتاب مقدس به این پرسوناژ (شخصیت) نیاز دارد. او می‌خواهد در ادامه تخریب و تکذیب چهره ایوب، نقشی هم به همسر او بدهد.

در کتاب ایوب می‌خوانیم: «پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفت و ایوب را از سر تا پا به دمل‌های دردناک مبتلا کرد. ایوب در میان خاکستر نشست و با یک تکه سفال بدن خود را می‌خارید. زنش به او گفت: تو هنوز هم نسبت به خدا وفادار هستی؟ خدا را لعنت کن و بمیر. اما او [ایوب] در جواب گفت: تو همچون یک زن ابله حرف می‌زنی» (کتاب ایوب، بی تا، ۷/۲ تا ۱۰).

نویسندگان کتاب مقدس، همسر ایوب را زنده نگه می‌دارند و تحویل سناریونویس‌های مسلمان می‌دهند تا قصه او را ادامه دهند. علامه طباطبائی پس از اشاره به پدیده اسرائیلیات و نصرانیات در رواج اخبار دروغ، تصریح می‌کنند که در ادامه این روند خطرناک و بسیار زشت، عده‌ای از مسلمانان، گوی سبقت را از اهل کتاب ربوده و هر جا آنان در اخبار کذب، کم آورده‌اند، اینان سنگ تمام گذاشته و با ترویج روایات جعلی کمک فراوانی به اسرائیلیات و نصرانیات کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ۱۳۰ تا ۱۳۴).

• کلمه «عبدنا» در عبارت آغازین «و اذکر عبدنا ایوب»، نشان می‌دهد خداوند در صدد بیان داستان بنده‌ای از بیشمار بندگان خودش است. این بنده هنوز پیامبر نیست (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ش، ۸ تا ۱۲). هیچ عنوان دیگری هم ندارد و می‌تواند هر انسانی در طول تاریخ بشریت باشد. در داستان ایوب در قرآن ما هیچ نشانه‌ای دال بر پیامبری او نمی‌بینیم. بله نام او در لیست پیامبران هست اما در قرآن قسمتی از داستان مربوط به قبل از رسالت او بیان شده است. طبق سنت الهی همه بندگان خدا مورد آزمون قرار می‌گیرند. ایوب هم مورد آزمون خدا قرار گرفته است و این خود خداست که بنده‌اش را امتحان می‌کند. ایوب آزمون‌های الهی را به عنوان عبد و نه به عنوان پیامبر، با هر کیفیتی که بود، بالاخره به خوبی به پایان رساند و درجه «نعم العبد» را دریافت کرد.

• کلمه «شیطان» در داستان ایوب اصلاً به معنی ابلیس یا شیطانی دیگر که مجسم

می‌شود و روبروی ایوب قرار می‌گیرد نیست (قس طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۸، ۲۰۸ و ۲۰۹). خداوند همه راز و نیازهای ایوب در آن شرایط خاص را در یک عبارت اما با دو شکل خلاصه کرده است. محتوای این دو عبارت هر دو یکی است: «أَنْتَى مَسْنَى الضَّرُّ وَأَنْتَى أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» همان «أَنْتَى الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» است. ایوب اعتراف می‌کند که شکایت او به دلیل از دست دادن اموال و فرزندان و همسرش نیست بلکه شیطان شبانه‌روز در حال وسوسه اوست و دست‌بردار هم نیست. شیطان دائم به ایوب می‌گوید: ایوب تو معتقدی که خدای تو ارحم الراحمین است و دائم مراقب توست؟ پس چرا وضعیت تو اینقدر نابسامان و پریشان است؟ وسوسه‌های شیطان (و نه خود او و نوجه‌هایش)، آنقدر گسترش یافته که برای ایوب تبدیل به عذاب گردیده است و ایوب نمی‌تواند جواب شیطان را بدهد و او را از خود دور کند.

• کلمه «نُصْب» در عبارت «انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب»، همان وسوسه‌های شیطان است که آنقدر برای ایوب دائمی شده که به شکنجه تعبیر می‌کند. در کتب لغت، نُصْب به معنی درد و بلا و شر آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۷۵۸: النَّصْبُ وَ النَّصْبُ وَ النَّصْبُ: الداءُ وَ البلاءُ وَ الشرُّ. وَ فی التنزیل العزیز: مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ). شیطان یا ابلیس به هیچ وجه بر اموال و جسم ایوب سلطه پیدا نمی‌کند آنچنانکه در فیلم ایوب پیامبر می‌بینیم.

• کلمه «ارکض» در عبارت «ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب» به این معنی نیست که پایت را بر زمین بکوب چنانچه در ترجمه‌ها آمده و در فیلم ایوب نشان داده شده است. ایوب در هوایی بسیار گرم کنار چشمه آبی گوارا و سرد نشسته است. او به دلیل شدت مصیبت و وسوسه‌های شیطانی از این نعمت غافل است. خداوند به او دستور می‌دهد که پاهایت را بکش جلو (ارکض برجلک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ۴۳۴: الرء و الکاف و الضاد أصلٌ واحدٌ يدلُّ علی حركةٍ إلی قُدَمٍ أو تحریکٍ). از این چشمه آب سرد و گوارا هم خود را سیراب کن و هم در آن آب تنی کن تا از گرم‌زدگی و وساوس شیطانی آزاد شوی.

• کلمه «ضغثاً» یعنی چند شاخه و ترکه خشک یا تر، که همه‌جا ریخته و در دسترس

است (زیبیدی، بی تا، ج ۳، ۲۳۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۲۸۵؛ ابن درید، بی تا، ج ۱، ۴۲۵: ما جمعته بکفک من نبات الأرض فانتزعته). یعنی دم‌دست‌ترین چیزی که دست به آن می‌رسد. خدا می‌خواهد ایوب را متوجه این مطلب کند که اصلاً به چیز خاصی که از آسمان بیفتد یا از زمین بیرون بیاید نیاز ندارد. همین اشیائی که دور و برت هستند کار تو را راه می‌اندازند. فقط به آنها توجه کن و آنها را بکار بگیر.

• برای فهمیدن تعبیر «اضرب به» باید به همین ترکیب در آیات دیگر قرآن توجه کنیم. فعل امر اضرب در قرآن سه بار با حرف اضافه «ب» آمده است. هر سه بار هم در داستان‌های حضرت موسی است: (۱) وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا (بقره، ۶۰). (۲) فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ (شعرا، ۶۳). (۳) فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى (بقره، ۷۳).

خطاب «اضرب به» به ایوب یعنی ای ایوب چند شاخه خشک که دور و برت هست بردار و به سوی همسر و فرزندان که مرده‌اند اشاره کن یا بزنی تا آنها زنده شوند. «فاضرب به» درست مانند «فاضرب بعصاك الحجر» در داستان حضرت موسی است. در داستان حضرت موسی قرار نیست حضرت موسی عصا را مانند مته‌ای قوی و بزرگ وارد سنگ‌ها کند بلکه کافی است با عصا به سنگ اشاره کند تا به اذن خدا دوازده چشمه از دل سنگ بجوشد (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ش، ۷۴).

• تعبیر «و لا تحنث» یعنی باور کن، تردید نکن و ناامید نباش (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ۲۷۸: الْجَنْثُ: أَنْ يَقُولَ الْإِنْسَانُ غَيْرَ الْحَقِّ). در سوره واقعه داریم: وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَىٰ الْجَنْثِ الْعَظِيمِ (واقعه، ۴۶). حنث عظیم آنان این بود که می‌گفتند و اعتقاد داشتند، اگر ما مردیم و خاک شدیم آیا دوباره زنده و محشور می‌شویم: وَ كَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِثْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (واقعه، ۴۷). ایوب هم شاید همین تردید را پیدا کرده بود. او اما دید که مردگان به اذن خدا زنده شدند.

• تعبیر «انا وجدناه صابراً» یعنی نهایتاً من خدا ایوب را صابر معرفی می‌کنم. درست است که ایوب در برابر وسوسه‌ها و همزات شیطان، کاسه صبرش لبریز شد و سر خدا داد زد و ناله و فغان سرداد اما بالاخره او با از دست دادن اموال و اولاد و خانواده‌اش بی‌طاقت

نشد و بسوی خدا برگشت (انه اواب: نک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ۵۶۷؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۳، ۱۶۴).

• کلمه «اواب» یعنی کسی که همه فراز و نشیب‌های زندگی را به سلامت طی کرده است و در پیشگاه خدا، بنده خوبی شناخته می‌شود. «اواب» صفت تعبیر «نعم العبد» در این آیات است (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ش، ۱۷).

#### ۴-۱. تعریف صحنه

وقتی در یک مکان و زمان فیلمبرداری صورت می‌گیرد در واقع یک صحنه (Scene) ثبت شده است (احمدزاده، ۱۳۸۹ش، ۵۵). هر صحنه کنشی است در درون یک کشمکش در زمان و فضای کم و بیش پیوسته که ارزشی را وارد زندگی شخصیت می‌کند، ارزشی که تا حدی مهم و با معنا باشد. ایده آل این است که هر صحنه یک حادثه داستانی باشد (مک کی، ۱۳۹۸ش، ۲۶).

#### ۵-۱. پیرنگ داستان کوتاه ایوب در قرآن:

داستان ایوب در قرآن، اگر بخواهد به فیلم تبدیل شود، سه صحنه دارد:

۱. در صحنه اول مردی را می‌بینیم که نامش ایوب است و دارد داد می‌زند و با صدای بلند با خدا صحبت می‌کند. او از اتفاقاتی که برایش افتاده است (مشکلات مالی و شبه مالی) به شدت ناراحت است: **وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ** (انبیا، ۸۳). **وَ ادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ** (صاد، ۴۱).

۲. در صحنه دوم می‌بینیم که ایوب با راهنمایی خدا، در آب سردی که نزدیک اوست خود را شستشو می‌دهد و از آن آب می‌نوشد: **ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ** (صاد، ۴۲).

۳. در صحنه سوم می‌بینیم که اولاً همه مشکلات مالی ایوب برطرف شده است و ثانیاً همه خانواده ایوب که مرده بودند، زنده شده‌اند و جمعیت آنها دوبرابر هم شده است: **فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ** (انبیا، ۸۴). **وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ**

مَعَهُمْ (صاد، ۴۳).

در این صحنه چگونگی زنده شدن خانواده ایوب را هم می‌بینیم. ایوب چند شاخه خشک برداشته است و بر بدن تک تک اعضای خانواده‌اش می‌زند یا به سمت آنها اشاره می‌کند و آنها زنده می‌شوند. آنها تنها زنده می‌شوند بلکه دوبرابر هم می‌شوند: وَ خُذْ بِدِرْكٍ ضِعْفًا فَأَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ (صاد، ۴۴).

در ضمن، راوی داستان، نریشن (گفتار متن) هم دارد و توضیحات بسیار مهمی را در لابلا بیان داستان ارائه می‌دهد: رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ. رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ. إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا، نِعْمَ الْعَبْدُ، إِنَّهُ أَوَّابٌ.

این سه صحنه که در دو سوره انبیا و صاد آمده‌اند، در واقع پیرنگ داستان ایوب در قرآن را بیان می‌کنند. هم اتفاقاتی که افتاده است گفته می‌شود و هم روابط علی و معلولی بین اتفاقات بیان می‌شود.

از همین داستان کوتاه ایوب در این متن فشرده متوجه می‌شویم که بین ایوب و خدای ایوب، مشکلی پیش آمده است. در واقع گره داستان (بحران)، بهم خوردن رابطه بندگی بین ایوب و خدای اوست. ایوب از خدایش شکایت دارد. با او عادی صحبت نمی‌کند. از او گله دارد. این حالت غیر عادی، مطلب اصلی داستان ایوب است و وقتی این گره، گشوده می‌شود و بحران پایان می‌یابد، داستان قرآن هم تمام می‌شود و ایوب، اوآب نامیده می‌شود: «انه اوآب». ایوب دوباره به آغوش خدا بازمی‌گردد. ایوب از صراط مستقیم اندکی فاصله گرفته است ولی دوباره روی خط می‌آید.

اگر بخواهیم داستان ایوب قرآن را در یک خط توضیح بدهیم باید به این مسأله و مشکل اشاره کنیم نه چیزهای دیگر.

در سوره مبارکه صاد، پنج داستان کوتاه وجود دارد: (۱) قصه حضرت داود از آیه ۱۵ تا ۲۶. (۲) قصه حضرت سلیمان از آیه ۲۷ تا آیه ۴۰. (۳) قصه حضرت ایوب از آیه ۴۱ تا ۴۴. (۴) قصه سجده نکردن ابلیس بر آدم از آیه ۶۵ تا ۸۸. (۵) قصه گفتگوی پیامبر با کفار مکه از آیه ۱ تا ۱۴. حضرت داود و سلیمان هم در این سوره، اوآب نامیده می‌شوند.

این پنج داستان به رغم تفاوت‌های ظاهری، حداقل در یک سؤال اساسی مشترک

هستند که علت آفرینش عالم هستی چیست؟ خداوند در سینهٔ سورهٔ صاد و در بهترین لحظه ضمن طرح این داستان‌های کوتاه، جواب می‌دهد: **وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (صاد، ۲۷).**

## ۲. پیرنگ در فیلم سینمایی ایوب پیامبر

در فیلم سینمایی ایوب پیامبر که ۸۴ دقیقه است اتفاقات زیادی وجود دارد اما علت اصلی همهٔ حوادثی که رخ می‌دهد در سکانس<sup>۱</sup> اول فیلم نمایش داده می‌شود. پس از دیدن فیلم سینمایی ایوب پیامبر اگر از مخاطب پرسید که چرا ایوب اینقدر زجر کشید و مصیبت دید، جواب می‌دهد: چون **ابلیس** می‌خواست که اینگونه اتفاقاتی برای ایوب بیفتد. خدا ابلیس را بر ایوب مسلط کرده بود تا هرچه می‌خواهد با او بکند. این همان پیرنگ فیلمنامه‌ای است که بر اساس آن فیلم ساخته شده است.

برای اثبات این مطلب سکانس اول فیلم را بررسی می‌کنیم:

مطابق روایت فیلم (و نه روایت قرآن) وقتی ابلیس صدای ستایش فرشتگان را در آسمان چهارم می‌شنود و از جایگاه والای ایوب مطلع می‌شود، بسیار عصبانی می‌شود و با فریادی نوحه‌هایش را فرامی‌خواند. ابلیس از شیاطین می‌خواهد که بروند و در مورد ایوب اطلاعات جمع‌آوری کنند (انگار تا حالا از ایوب بی‌خبر بوده است!).

شیطان‌ها به منزلگاه ابلیس برگشته‌اند.

گفت و گوی ابلیس با شیطان‌ها:

- ابلیس به شیطان ۱: تو بگو، ایوب اهل کدام سرزمین است؟

- شیطان ۱: بسنیه. یکی از مناطق شام که میان دمشق و رمه واقع است.

- شیطان ۲: او را ثروتمندترین انسان بلاد خویش می‌دانند. آنچنانکه مکنت او را حساب

نیست.

- ابلیس: نگفتم خواهم یافت؟ من هم اگر این همه ثروت و مکنت داشتم لحظه‌ای سر از

---

۱. لحظه‌های فیلم کنار هم قرار می‌گیرند تا صحنه به وجود بیاید و صحنه‌ها نیز در کنار هم قرار می‌گیرند و

سکانس را به وجود می‌آورند (مک کی، ۱۳۹۸، ۲۷)

- سجده بر نمی‌داشتم. چون ترک عبادت خدا همان و از کف دادن مکنت همان.
- شیطان ۳: او را هفت پسر و سه دختر پاکدامن است و یک زن زیبا و مهربان.
- شیطان ۴: با عده‌ای غلامان و خدم و حشم.
- ابلیس قهقهه می‌زند و با لحنی تمسخرآمیز می‌گوید: در همه‌جا جاربزید که ما به ایوب همه چیز بخشیده‌ایم تا بنده‌ای سالم و با ایمان شود و عجیب اینکه شده است.
- ابلیس و همه شیطان‌ها با صدای بلند می‌خندند. ابلیس و شیطان‌ها دارند قهقهه می‌زنند که ناگهان صدایی می‌آید.
- فرشتگان: خاموش ابلیس خبیث. این همه را ایوب جز برای خدا نمی‌خواهد و جز برای او صرف نمی‌کند. آرزوی وصل با معبود، میزان و معیارهای دنیایی را درهم می‌ریزد و همه چیز برای انسان رنگ او را می‌گیرد.
- ابلیس که پشت ابلیسک<sup>۱</sup> پناه گرفته است، از پشت ابلیسک سرک می‌کشد و می‌گوید: اینها همه حرف است. یک هزارم این همه نعمت، چشمان نابینا را بینا و ارواح مرده را زنده می‌کند.
- فرشتگان: ایوب مورد آزمون قرار می‌گیرد. و تو نیز وسیله آزمون.
- ابلیس: از هم اکنون او در چنگ من است. او را شکست خورده بدانید.
- فرشتگان: آنگونه که خواهی عمل کن. تو و هر آنکس که تو را پیروی کند در عذاب، مخلد و جاویدان خواهد بود.
- فرشتگان می‌روند. شیطان شاد است و می‌خندد<sup>۲</sup>. (تصاویر ۳-۱ و ۳-۲)

---

۱. ستونی که پشت ابلیس قرار دارد.

۲. در سریال پنج قسمتی ایوب، این گفت‌وگو مفصل‌تر است. بعضی از دیالوگ‌های مهم در فیلم سینمایی حذف شده است.





تصویر ۱-۳



تصویر ۲-۳ فرشتگان از طرف خداوند با ابلیس گفت و گو می کنند.

### تحلیل و بررسی این گفت و گو:

۱. این گفت و گو در قرآن نیامده است و به جای آن گفت و گوی ایوب با خدا آمده است. در اقتباس و داستان پردازی از قصه های قرآن، تخیل و آوردن گفت و گوهایی غیر از آنچه در قرآن آمده است، اشکالی ندارد به شرط آنکه در چهارچوب قصه قرآن باشد<sup>۱</sup>. این دیالوگ به هیچ وجه با قصه ایوب قرآن و با قصص قرآن بطور کلی هماهنگی ندارد.

۱. کارگاه علم قصص قرآن، قم، مدرسه اسلامی هنر،

کی و کجا خداوند ابلیس را بر جان و مال بندگانش مسلط گردانده است؟ وقتی این گفت‌وگوی مهم در صحنه‌های ابتدایی فیلم می‌آید، داستان فیلم (آکسیون<sup>۱</sup> یا وقایع داستان) را جور دیگری پیش می‌رود. موضوع فیلم، حسادت و خشم ابلیس به ایوب می‌شود. ابلیس بسیار عصبانی است؛ خدا ایوب را مورد آزمون قرار می‌دهد تا ثابت کند ابلیس در مورد علت محبوبیت ایوب، تصور نادرستی دارد (البته بیشتر به ابلیس تا دیگران!). خدا ایوب را در اختیار ابلیس می‌گذارد تا هر بلایی که ابلیس دوست دارد بر سر ایوب بیاورد. ابلیسی که از ایوب کینه فراوان دارد و جنایات متعددی علیه ایوب مرتکب می‌شود. منظور از شیطان در آیه «وَ اذْکُرْ عَٰبِدَنَا اَیُّوبَ اِذْ نَادٰی رَبَّهُ اَنِّیْ مَسَّنٰی السَّیْطٰنُ بُضْبًا وَّ عَذَابًا»، وسوسه‌های شیطان است. شیطان فقط می‌تواند وسوسه کند و هیچ تسلطی بر مال و جان بندگان خدا ندارد (لسانی فشارکی، ۱۴۰۱ش، ۸۰ و ۸۱).

۲. این گفت‌وگوی کوتاه، شخصیت و ویژگی‌های جسمانی و ویژگی‌های اخلاقی - ذاتی ایوب و ابلیس را هم نشان می‌دهد. ایوب شخصی است بسیار ثروتمند. او در شام، یکی از بهترین مناطق دنیا به لحاظ آب و هوا زندگی می‌کند. گرچه سایر تصاویری که در فیلم می‌بینیم با این واقعیت تضاد دارد. ایوب خانواده‌ای پرجمعیت دارد. زنی زیبا و مهربان دارد. خدم و حشم بسیار دارد. و ایوب بهترین بنده خداست که مورد ستایش فرشتگان است. او پیامبر خداست. ایوب جایگاه اجتماعی بالایی دارد.

در مقابل شخصیت ایوب، شخصیت ابلیس قرار دارد. ابلیس بسیار زشت و کریه منظر است. چهره‌ای غیرطبیعی و ترسناک دارد. او به شدت حسود است و از خوب بودن دیگران بسیار عصبانی می‌شود. ابلیس دم و دستگاه مفصلی دارد. شیطان‌های بسیاری، بنده‌وار در خدمت او هستند. ابلیس به علم آسمان چهارم دسترسی دارد. او بسیار قدرتمند است. ابلیس بسیار باهوش و با فراست است. خدا تن به خواسته ابلیس می‌دهد یعنی مجبور است چون اگر این کار را نکند ابلیس و یارانش همه‌جا جار می‌زنند که ایوب به دلیل ثروت و مکتش، بنده خوب خداست.

۱. تسلسل و تداوم وقایع داستان، آکسیون داستان را می‌سازند (یونسی، ۱۴۰۱ش، ۲۲).

از طریق گفت‌وگوی ابتدایی فیلم، مخاطب با پیرنگ داستان آشنا می‌شود؛ مخاطب از همین ابتدای فیلم متوجه می‌شود که قرار است کشمکش<sup>۱</sup> بین ابلیس و ایوب را نظاره‌گر باشد و با این سؤال، تا آخر فیلم را ببیند که بالاخره کدام شخصیت پیروز ماجرا می‌شود؟ این مطالب با قرآن سازگاری ندارد.

در سایت‌های نمایش و معرفی فیلم و همچنین در کتاب‌های مربوط به معرفی فیلمها، معمولاً توضیح مختصری راجع به فیلم‌ها داده شده است. این توضیحات توسط فیلمنامه‌نویس نوشته می‌شوند و جان کلام و حرف اصلی فیلمنامه را بیان می‌کنند و در اصطلاح فنی خودش، پیرنگ فیلم را لو می‌دهند.

در مورد فیلم سینمایی ایوب پیامبر در سایت شبکه قرآن این توضیح را داریم: «خلاصه داستان: شیطان از جایگاه ایوب پیامبر در پیشگاه خداوند دچار حسادت و خشم می‌شود و مشیت خداوندی بر این قرار می‌گیرد که ایوب را به سختی‌ها بیازماید چرا که شیطان این همه ایمان را در وجود ایوب باور ندارد...» (<https://qurantv.ir/content/11937>).

در سایت آپارات هم این توضیح آمده است: «مقام ایوب پیامبر در پیشگاه خداوند شیطان را دچار حسد می‌کند و مشیت الهی بر این قرار می‌گیرد که ایوب را با مشکلات بیازماید. بلايایی مثل طوفان، زلزله، بیماری و قطعی قوم پیامبر را رو به نابودی می‌برد و به تدریج موجب روی گرداندن قوم از پیامبر می‌شود. وقتی رحیمه، همسر ایوب، از دریافت طلبش از زنی ناامید می‌شود شیطان...» (<https://www.aparat.com/v/npJju>).

در سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران این توضیح آمده است: مقام ایوب پیامبر در پیشگاه خداوند شیطان را دچار حسد می‌کند و مشیت الهی بر این قرار می‌گیرد که ایوب را با مشکلات بیازماید. بلايایی مثل طوفان، زلزله، بیماری و قطعی قوم پیامبر را رو به نابودی می‌برد و به تدریج موجب روی گرداندن قوم از پیامبر می‌شود. پیامبر روزگار را با بیماری و تنگدستی سپری می‌کند. وقتی رحیمه، همسر ایوب، از دریافت طلبش از زنی ناامید می‌شود شیطان را در قالب مردی ملاقات می‌کند که با وسوسه‌هایش چند تار موی او

---

۱. Conflict: مقابله دو نیرو یا شخصیت است که بنیاد حوادث را می‌ریزد (میرصادقی، ۱۳۹۴، ش ۹۵).

را در ازای قرصی نان طلب می‌کند. شیطان تارهای موی رحیمه را نزد پیامبر می‌برد و همسر او را به خیانت متهم می‌کند. ایوب پروردگار را به یاری می‌طلبد. چشمه‌ای آب از زیر پای پیامبر جاری می‌شود و او و همسرش را جوان می‌کند.

(<http://www.sourehcinema.com/Title/Title.aspx?id=138109211661>)

(تصویر ۱-۴).

عیناً همین توضیح مختصر در کتاب فیلمشناخت ایران آمده است و چون قدیمی‌تر از بقیه منابع است، رفرنس سایر منابع قرار گرفته است (بهارلو، ۱۳۸۴، ش، ج ۲، ۳۶۲).



تصویر ۱-۴

## نتیجه گیری

مطابق با این توضیحات، داستان ایوب در فیلم سینمایی ایوب پیامبر، داستان ابلیس و ایوب است نه داستان ایوب و خدا. در فیلم سینمایی ایوب، ایوب قهرمان قصه است و ابلیس ضد قهرمان. گره و تعلیق قصه هم این است که آیا ابلیس پیروز می شود یا ایوب؟ اینها هیچ ربطی به داستان ایوب قرآن ندارد.

در فیلم گرچه شخصیت ایوب را داریم و مثلا صحنه سازی های تاریخی و اسم های ایام قدیم اما هیچ یک از اینها دلیل نمی شود که داستان فیلم همان داستان قرآن باشد. اهل فن می دانند که پیرنگ داستان مهم است و روابط منطقی بین اتفاقات همانگونه که داستان نویس منظور دارد نه آنطور که ما تصور می کنیم و می خواهیم.

در فیلم ایوب اتفاقات ناگوار زیادی می افتد. اگر دلیل و علت این اتفاقات را در فیلم جستجو کنیم، به ابلیس می رسیم نه خدا. ابلیس چنان جایگاه و قدرتی دارد که بیش از هفت سال بر آسمان و زمین و جان و مال ایوب مسلط می شود و هر چه اراده می کند بلافاصله اتفاق می افتد. این روابط علی و معلولی که در فیلم ایوب هست در قرآن به هیچ وجه نیست و تفاوت اصلی قصه قرآن با قصه فیلم ایوب همینجاست.

تصویری که مکرر در فیلم ایوب مشاهده می کنیم، تصویر ابلیس و نوجه هایش چه در شمایل واقعی خودشان و چه در قالب یک انسان است. قسمت های بسیار مهمی از دیالوگ های فیلم را گفتگوهای ابلیس با ایوب و گفتگوهای ابلیس با شیطانها (نوجه هایش) تشکیل می دهد. این اهمیت تا آنجاست که در کتاب سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران، نویسنده از بین صحنه های مختلف فیلم، دو صحنه ای را انتخاب می کند که ابلیس در آن دو موقعیت نقش اساسی دارد. نویسنده گفتگوهای این دو صحنه را تحلیل و بررسی می کند (یاسینی، ۱۳۹۳، ش، ۱۷۷ تا ۱۸۳).

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. بهارلو، عباس (۱۳۸۴ش). فیلم‌ساخت ایران: فیلم‌شناسی سینمای ایران، تهران، قطره.
۳. تویباس، رونالدبی (۱۴۰۱ش). بیست کهن‌الگوی پیرنگ (و طرز ساخت آن)، ترجمه ابراهیم راهنشین، تهران، ساقی.
۴. کتاب مقدس (۲۰۱۵م). ترجمه مؤده برای عصر جدید، بی‌جا.
۵. لسانی، محمدعلی و رجبی قدسی، محسن (۱۴۰۱ش). قصه ایوب پیامبر در قرآن کریم، تهران، صد و چهارده.
۶. مک کی، رابرت (۱۳۹۸ش). داستان: ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران، هرمس.
۷. میرصادقی، جمال (۱۳۹۴ش). عناصر داستان، تهران، نشر سخن.
۸. وایتلی، کرول (۱۳۹۶ش). همه چیز درباره نویسنده‌گی خلاق، ترجمه مهدی غبرایی، تهران، سوره مهر.
۹. یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۳ش). سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۰. یونسی، ابراهیم (۱۳۶۹ش). هنر داستان‌نویسی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.

## منابع عربی

۱۱. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن (بی‌تا). جمهره اللغة، بیروت، دار صادر.
۱۲. ابن عاشور (۱۹۸۴م). التحرير و التنبیر (تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید)، تونس، الدار التونسية للنشر.
۱۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیه مؤسسه الرساله.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۱۵. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۶. جوهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۷. زبیدی، سید محمد مرتضی (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق عبدالستار احمد فراج، کویت، التراث العربی.
۱۸. سلمی، ابو عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). *تفسیر سلمی (حقائق التفسیر)*، تحقیق: سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طوسی، شیخ ابو جعفر (۱۴۰۹ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد حبیب قیصر، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العين*، تحقیق: مهدی مخزومی، قم، دارالهجره.
۲۳. محقق اردبیلی (بی تا). *زبده البیان فی احکام القرآن*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت ارشاد.
۲۵. مغنیة، محمد جواد (۱۴۰۳ق). *التفسیر المبین*، بیروت، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.

#### سایت ها:

- <https://qurantv.ir/content/11937>
- <https://www.aparat.com/v/npJju>
- <http://www.sourehcinema.com/Title/Title.aspx?id=138109211661>